بدون مرز

خرس ۲۰۰ کیلوگرمی قربانی شکارچی ۱۷ساله

گروه حوادث: یک نوجوان ۱۷ساله اهل ایالت میشیگان امریکا با استفاده از تیر و کمان یک خرس ۲۰۰ کیلوگرمی را از پا درآورد. به گزارش آسوشیتدپرس «جسیکا اولم استید» ۱۷ساله که دانش‌آموز دبیرستان است، درباره این شکار بزرگش گفت: یک ماه است که در یک مسافرت شکاری هستیم. روز سه‌شنبه هنگامی که به تنهایی در حال گردش بودم تا شکاری برای خود پیدا کنم، با یک خرس قهوه‌ای مواجه شدم. ابتدا ترسیدم چون خرس بسیار بزرگ و تنومند بود. تیر و کمان خود را درآوردم و از فاصله ۱۴ متری به او تیری پرتاب کردم. با کمال تعجب و در عین خوشحالی متوجه شدم تیرم به هدف برخورد کرد و موفق شدم خرس قهوه‌ای را از پا درآورم. پدر این دختر نوجوان نیز گفت: من خودم معلم شکار هستم و در ۳۰ سال کارم چنین ماجرای عجیبی را تجربه نکرده‌ام. دخترم واقعاً شجاعت به خرج داده است چرا که خرس شکارشده ۲۰۰ کیلوگرم وزن داشت.

قهرمانی چهار زن در مسابقه دو با کفش پاشنه‌بلند

گروه حوادث: چهار زن استرالیایی موفق شدند رکورددار مسابقه دو با کفش پاشنه‌بلند شوند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، این چهار زن که عضو تیمی به نام پینکتز هستند در حالی که کفش‌هایی با پاشنه ۷/۵ سانتیمتر به پا داشتند در مسابقه دو پاشنه‌بلندها که در نزدیکی خانه اپرای سیدنی برگزار شد، شرکت کردند و عنوان قهرمانی را به دست آوردند. این زنان قصد دارند با ۹ هزار و ۶۰۰ دلار مبلغ جایزه خود به تایلند سفر کنند. این مسابقه که یکصد زن و یک مرد در آن حضور داشتند برای کمک به انجمن ملی سرطان سینه استرالیا برگزار شده بود.

دوچرخه‌سواری از آمل تا آبادان

گروه حوادث: یک دوچرخه‌سوار آملی که به مناسبت روز آتش‌نشان قصد دارد از آمل تا آبادان را رکاب بزند، پس از دو روز دوچرخه‌سواری به تهران رسید. رحمت‌الله آزاد دوچرخه‌سوار ۵۱ساله آملی می‌گوید: من از ۱۰ سال پیش سفرهای نمادین با دوچرخه را آغاز کردم و تاکنون حدود ۵۰ سفر برون‌مرزی داشته‌ام. وی می‌افزاید: معتقدم انسان می‌تواند با داشتن همه مشکلات دنیا شاد زندگی کند و این شادی را به دیگران نیز منتقل کند.

خبر

آدم‌ربایی صوری، وسیله‌ای برای اخاذی از پدر

گروه حوادث: دختری ۱۴ساله برای به دست آوردن ۲۲ میلیون تومان پول، با همکاری پسری نوجوان خودش را ربود تا پول مورد نیازش را از پدرش اخاذی کند. به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل مردی نزد پلیس کرمانشاه رفت و گفت چند مرد ناشناس دختر ۱۴ساله‌اش به نام نرگس را ربوده و برای آزادی او ۲۲ میلیون تومان باج خواسته‌اند. وی که نگران سرنوشت دختر نوجوانش بود، گفت: امروز دخترم مثل همیشه به دبیرستان رفت اما ظهر هرچه منتظرش شدیم به خانه نیامد. من و همسرم که از تاخیر نرگس نگران شده بودیم با دبیرستان محل تحصیلش تماس گرفتیم اما مسوولان دبیرستان گفتند او مثل سایر دانش‌آموزان به خانه رفته است. در حالی که از حرف‌های مسوول مدرسه نگران شده بودیم تماس شخصی ناشناس ما را نگران‌تر کرد. او گفت نرگس را به گروگان گرفته و برای آزادی‌اش باید ۲۲ میلیون تومان پرداخت شود. شخص ناشناس بعد از آنکه من را تهدید کرد گفت دوباره تماس می‌گیرد تا محل مبادله پول با گروگان را اطلاع دهد. افسران ویژه پلیس کرمانشاه با بررسی دقیق اظهارات این مرد به تحقیق درباره زندگی خصوصی آنها و دخترشان پرداختند. بررسی روابط نرگس نشان داد او مدت‌هاست با پسر نوجوانی رابطه دوستی دارد و تاکنون چند نفر آنها را با یکدیگر دیده‌اند. همچنین کنترل تماس‌ها بین آنها نشان داد احتمالاً پسر نوجوان در این گروگانگیری دست دارد. به این ترتیب تجسس‌ها در این باره ادامه یافت تا اینکه چند ساعت بعد ماموران با استفاده از شگردهای خاص پلیسی به پشت پرده این ماجرا پی بردند. افسران پلیس که نرگس و پسر نوجوان به نام احمد را با یکدیگر دستگیر کرده بودند، دریافتند آنها با یکدیگر همدست هستند و نقشه آدم‌ربایی صوری را با کمک یکدیگر طراحی و اجرا کرده‌اند. نرگس در این رابطه به ماموران گفت: من و احمد مدتی است با یکدیگر دوست هستیم. چون هر دو با مشکلات مالی روبه‌رو بودیم تصمیم گرفتیم با اجرای نقشه آدم‌ربایی از پدرم اخاذی کنیم. طبق نقشه من از دبیرستان یکراست سراغ احمد رفتم و او هم چند ساعت بعد در حالی که می‌دانستم پدر و مادرم نگرانم شده‌اند با خانه‌مان تماس گرفت و گفت من را دزدیده است. سرهنگ اسفندیار امیدی رئیس پلیس آگاهی استان کرمانشاه با اعلام این خبر گفت: چون دو نوجوان به سن قانونی نرسیده‌اند هر دو با دستور مقام قضایی به خانواده‌هایشان تحویل داده شدند.

کلاهبرداری از ۴۳۰ خریدار خودرو

گروه حوادث: اعضای یک باند با راه‌اندازی شرکت لیزینگ خودرو از ۴۳۰ نفر کلاهبرداری کردند. مدتی پیش چند پرونده مشابه مبنی بر کلاهبرداری یک شرکت لیزینگ خودرو به پلیس آگاهی ارجاع شد. یکی از شاکیان در اظهاراتش گفت: شرایط شرکت برای واگذاری خودرو عالی بود و شرکت سود بسیار کمی بابت قسط‌بندی دریافت می‌کرد، به همین خاطر نیز به خرید اتومبیل قسطی ترغیب شدم. ماموران پلیس پس از جمع‌بندی اظهارات مالباختگان متوجه شدند مدیرعامل شرکت به نام «علیرضا» یک مجرم سابقه‌دار است. آنها با استفاده از بانک اطلاعاتی مجرمان موفق به شناسایی محل اختفای وی شدند. پس از دستگیری متهم اصلی پرونده، او در بازجویی‌ها به کلاهبرداری از ۴۳۰ خریدار خودرو اعتراف کرد و در ادامه دو تن دیگر از اعضای این باند بازداشت شدند.

رانش زمین در مکزیک روستاییان را مدفون کرد

گروه حوادث: رانش زمین در مکزیک ۱۱ کشته بر جای گذاشت و تعداد زیادی از منازل مسکونی را زیر گل و لای دفن کرد. به گزارش آسوشیتدپرس، «فرانسیسکو بلیک» وزیر کشور مکزیک اعلام کرد در پی بارش‌های باران‌های سیل‌آسا و وقوع رانش زمین در اکثر نقاط این کشور به ویژه ایالت «آواساکا»، تاکنون ۱۱ تن کشته و همین تعداد مفقود و ۵۰ تن مجروح شدند. «اولیسه روئیز» فرماندار ایالت آواساکا نیز گفت: یکی از مناطق روستایی در ۶۰۰ کیلومتری جنوب شرق «مکزیکوسیتی» در پی وقوع رانش زمین به طور کامل زیر گل و لای فرو رفته و اکثر جان‌باختگان و مفقودان این رانش زمین از اهالی این منطقه هستند. همچنین صلیب سرخ این کشور در گزارشی خاطرنشان کرد وضعیت امدادرسانی به دلیل بارش‌های مداوم باران و وضعیت نامساعد جوی تا حدودی با مشکل مواجه شده است، به طوری که حتی خودروهای سنگین ارتش و بالگردهای امدادگر هم نمی‌توانند به این مناطق دسترسی پیدا کنند. بر اساس اعلام این دپارتمان، دست‌کم ۳۰۰ منزل مسکونی در زیر گل و لای فرو رفته و راه‌ها و جاده‌های منتهی به مناطق سیل‌زده نیز تخریب شده است. همچنین خطوط آب، برق و تلفن هم قطع شده‌اند.

نجات باورنکردنی یک ایرانی از سانحه رانندگی در ترکیه

گروه حوادث: «مرد معجزه» لقبی است که رسانه‌های ترکیه‌ای به یک مرد ایرانی داده‌اند. این مرد در یک تصادف به طرز معجزه‌آسا و باورنکردنی از مرگ نجات یافت. یک اتوبوس ایرانی به شماره پلاک شماره IR ۳۶۸۶۰ که از اردبیل به سوریه می‌رفت بامداد دوشنبه در کیلومتر ۲۵ جاده شانلی عرفا به دیاربکر واژگون شد. بر اثر این حادثه سه ایرانی کشته و بیش از ۴۰ تن زخمی شدند. امدادگران ترکیه‌ای وقتی به محل حادثه رسیدند با صحنه‌ای عجیب مواجه شدند. یکی از مسافران پس از واژگونی اتوبوس از آن به بیرون پرت شده و سرش بین گلگیر و لاستیک اتوبوس گیر کرده بود.

در نگاه اول این مرد باید یکی از جانباختگان حادثه محسوب می‌شد اما وقتی امدادگران جلوتر رفتند دیدند او هنوز زنده است. برای همین سعی کردند به گونه‌ای که آسیب بیشتری به وی وارد نشود او را از بین چرخ و گلگیر بیرون بیاورند. این کار با حساسیت و دقت ویژه‌ای انجام شد و مرد ایرانی به اورژانس تحویل داده شد و به بیمارستان انتقال یافت.

مجروح در وضعیت مساعدی قرار نداشت و پزشکان در حالی اقدامات درمانی را آغاز کردند که آنها هم امید چندانی به زنده ماندن مرد مصدوم نداشتند با این وجود تلاش‌ها نتیجه داد و بعد از گذشت دو روز از این حادثه خطر مرگ به طور کامل رفع شد. مرد نجات‌یافته که «موسی عیسی‌زاده» نام دارد خودش هم باور نمی‌کند زنده است. او دیروز در گفت‌وگویی با خبرنگاران ترکیه‌ای گفت: «من هم از نجات خودم از این فاجعه شگفت‌زده شده‌ام. خدا را شکر اکنون ناراحتی مهمی ندارم.»

پزشک معالج این ایرانی نیز گفت: حال عمومی بیمار خوب است و او فقط صدمات کوچکی در ناحیه صورت دارد. رسانه‌های ترکیه‌ای به موسی لقب مرد معجزه داده و با انتشار اخبار و عکس‌هایی از این حادثه نجات مرد ایرانی را شگفت‌انگیز توصیف کرده‌اند.

ابهام در پرونده قتل یک مرد به دست همسر و دو دختر

گروه حوادث: دو دختر نوجوان که متهم هستند با همدستی مادرشان پدر خود را به قتل رساندند در جلسه محاکمه با صراحت به قتل اعتراف کردند اما گفته‌های آنها از سوی وکلایشان رد شد و این ظن قوت گرفت که آنها با به گردن گرفتن اتهام سعی در پنهان کردن واقعیت دارند. به گزارش خبرنگار ما، این متهمان که سمیرا و سمیه نام دارند، متهم هستند دو سال قبل با همدستی مادرشان و مردی به نام حامد که با مادرشان رابطه داشت پدرشان را به قتل رساندند. سمیه و سمیرا در طول محاکمه سعی کردند حامد را از اتهام مشارکت در قتل تبرئه کنند. در ابتدای جلسه محاکمه سید رضایی نماینده دادستان تهران در جایگاه حاضر شد و خطاب به قضات شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران گفت: متهمان به نام‌های طاهره (همسر مقتول)، سمیرا(دختر بزرگ) و سمیه(دختر کوچک مقتول) با همدستی مردی به نام حامد در پی اختلافات شدیدی که با حسین داشتند ۱۳ اسفند سال ۸۷ این مرد را در خواب غافلگیر کردند و بعد از اینکه شالی را دور گردن او پیچیدند وی را به قتل رساندند. آن طور که متهمان اعتراف کرده‌اند سمیه و سمیرا دو طرف شال را گرفتند و با کمک مادرشان آن را کشیدند تا جایی که حسین جان خود را از دست داد. سپس سه متهم زمین را کندند و جسد را در خانه دفن کردند. نماینده دادستان در مورد اتهام حامد گفت: از نظر دادسرا حامد نیز در این قتل شریک است چرا که مطابق اظهارات محسن فرزند کوچک مقتول حامد نیز هنگام کشیدن شال و خفه کردن مقتول در محل بوده. نماینده دادستان تهران در مورد نحوه دستگیری متهمان گفت: پنج ماه بعد از قتل در حالی که مادر و دختران مدعی بودند از سرنوشت حسین خبر ندارند منزل خود را تخلیه و خانه‌ای دیگر اجاره کردند سپس مستاجر جدید متوجه نشست کف خانه شد و برای تعمیر آن اقدام کرد. هنگامی که کف خانه برای تعمیر شکافته شد، جسدی از آن بیرون آمد که صاحبخانه آن را نمی‌شناخت بنابراین ماموران را در جریان قرار داد. پلیس در جریان تحقیقات طاهره را به عنوان متهم شناسایی کرد و به این ترتیب مشخص شد جسد متعلق به شوهر اوست. طاهره بعد از بازداشت راز قتل شوهرش را فاش کرد و گفت با همدستی دخترانش دست به جنایت زده است. نماینده دادستان تهران ادامه داد: با توجه به مدارک موجود در پرونده تقاضای صدور حکم قانونی برای هر چهار متهم پرونده را دارم. در ادامه مادر مقتول در جایگاه حاضر شد و برای متهمان تقاضای قصاص کرد. وی گفت: یک هفته قبل از گم شدن پسرم من با او تماس گرفتم و گفتم پدرت بیمار است، او هم به زنجان آمد تا پدرش را ببیند اما بعد از آن به طور ناگهانی گم شد. نوه‌هایم به همراه عروسم و مرد مورد علاقه‌اش دست به این کار زده‌اند و باید قصاص شوند. بعد از این زن برادر مقتول به عنوان ولی قهری برادرزاده‌اش در جایگاه حاضر شد و او هم برای متهمان تقاضای صدور حکم قصاص کرد. سپس به دستور قاضی معتمدی دادرس شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران طاهره متهم ردیف اول در جایگاه حاضر شد و گفت: قتل را من به اتفاق دخترانم انجام داده‌ام و حامد در این ماجرا نقشی نداشت. وی گفت: حسین من را خسته کرده بود. دیگر نمی‌توانستم آن زندگی نکبت‌بار را تحمل کنم. معتاد بود و زندگی‌مان را به پای اعتیادش ریخته بود. خیلی با من بدرفتاری می‌کرد و مرا کتک می‌زد. او به بهانه یافتن کار یک هفته ما را ترک کرد و وقتی برگشت گفت به زنجان رفته بود. آن شب من شام را آماده کردم و آوردم. از طعم غذا خوشش نیامد و بهانه‌گیری کرد. با عصبانیت سیلی محکمی به گوش من کوبید و گفت چرا این طور غذا می‌پزی. او گفت از من و بچه‌ها بدش می‌آید و از دست ما خسته شده است. بعد به سمتم لگد پرتاب کرد. از خود بیخود شدم و نمی‌دانستم چه می‌کنم. تصمیم خودم را گرفته بودم. می‌خواستم هر طور شده است او را بکشم. وقتی شوهرم خوابید شال را از زیر گردنش رد کردم و همه چیز آماده شد. با بچه‌ها صحبت کرده بودم. شال را به سمت ضربدری دور گردن حسین انداختم. خودم روی سینه‌اش نشستم و بچه‌ها از دو طرف شال را کشیدند و من هم کمک‌شان کردم. وقتی به خودم آمدم یک جسد روی دستم مانده بود. متهم ادامه داد: به همراه دخترانم کف زمین را کندم. سیمان سفتی نبود و به راحتی با قندشکن توانستم آن را بکنم. بچه‌ها هم خاک را به بیرون منتقل کردند. بعد جسد را داخل گودال انداختم و روی آن را پوشاندم. مدتی بعد خانه را عوض کردیم. بچه‌ها می‌ترسیدند آنجا بمانند. من با کمک حامد خانه‌ای پیدا کردم و به منزل جدید نقل مکان کردیم. پنج ماه بعد من در آن خانه شناسایی و بازداشت شدم. طاهره بعد از اینکه یک بار دیگر تاکید کرد حامد نقشی در این قتل نداشت، گفت: من زن بدبختی بودم. شوهرم هر چه درآمد داشت خرج اعتیادش می‌کرد. من مجبور بودم صدقه و فطریه جمع کنم تا زندگی فرزندانم را اداره کنم. قبول دارم اشتباه کردم. نباید پای مرد غریبه را به خانه باز می‌کردم و شوهرم را می‌کشتم اما دیگر طاقتی برایم نمانده بود. من از کرده خودم بسیار پشیمان هستم. در ادامه گیتی پورفاضل وکیل مدافع طاهره در جایگاه حاضر شد و گفت گفته‌های موکلش درست نیست. وی گفت: تناقض‌گویی‌های زیادی در پرونده وجود دارد که گفته‌های موکل را زیر سوال می‌برد. هرچند حسین به گفته فرزندانش به مواد مخدر اعتیاد داشت و فرزندانش را کتک می‌زد اما گفته‌های متهمان در مرحله بازجویی نشان می‌دهد آنها واقعیتی را پنهان می‌کنند. سمیرا در جایی از تحقیقات می‌گوید: زمانی که داشتیم پدرمان را می‌کشتیم دست و پایم بی‌حس شده بود و نمی‌توانستم حرکت کنم. جایی دیگر گفته است حامد او را خفه کرده و من فقط نظاره‌گر بودم و خیلی ترسیده بودم. وی ادامه داد: متهمان گفته‌اند ساعت دو و نیم شب بعد از قتل زمین را با قندشکن کندند و جسد را دفن کردند. صدای ممتد قندشکن آن هم در ساعاتی از نیمه‌شب که سکوت مطلق است و صدا می‌پیچد کار منطقی‌ای به نظر نمی‌رسد. مگر ممکن است این اتفاق باعث بیدار شدن همسایه‌ها یا حتی پسر هشت‌ساله خانواده نشود، مگر می‌شود سیمان را با قندشکن به راحتی کند؟ بنابراین به نظر نمی‌رسد گفته‌های موکل درست باشد و من تقاضا دارم برای اجرای عدالت تحقیقات بیشتری در این خصوص انجام شود. سپس سمیرا متهم ردیف دوم در جایگاه حاضر شد. وی نیز گفته‌های مادرش را تایید کرد و گفت: حامد هیچ نقشی در این قتل نداشت. وی گفت: من به همراه مادر و خواهرم این قتل را مرتکب شدیم. آن شب وقتی پدرم آمد و سر شام با مادرم دعوا کرد من به همراه سمیه و محسن به داخل اتاق رفتیم. محسن همیشه از دعوای پدر و مادرم می‌ترسید. چون پدرم، مادرم را کتک می‌زد. من محسن را بغل کردم. او در آغوش من خوابید. بعد از چند ساعت پدرم هم از من خواست رختخوابش را آماده کنم. من و مادرم با هم صحبت کردیم و به این نتیجه رسیدیم که پدرم را بکشیم سپس به همان نحوی که مادرم گفت او را کشتیم. وی گفت: پدرم ما را خیلی آزار می‌داد، همیشه ما را کتک می‌زد و من از این بابت خیلی ناراحت بودم. پدرم می‌خواست من را به خاطر اعتیادش بفروشد. همین چیزها بود که باعث شد ما پدرمان را بکشیم. در ادامه سارا نجیمی وکیل‌مدافع سمیرا در جایگاه حاضر شد و گفت: گفته‌های موکل من مطابق با واقعیت نیست. او در حالی اتهام قتل را می‌پذیرد که در مرحله تحقیقات حرف‌های متناقضی زده است. او و خواهرش سمیه یک بار گفته‌اند زمان قتل حامد در خانه بود و او با پدرشان درگیر شد و حسین را کشت. این ادعایی بود که محسن کودک هشت‌ساله هم در اولین بازجویی تایید کرد. او گفته است حامد در خانه ما بود که پدرم آمد و با مادرم درگیر شد و از او پرسید این مرد کیست. پدرم، مادرم را کتک زد و در این هنگام بود که حامد به پدرم حمله کرد و او را زد و بعد کشت. سپس سمیه – متهم سوم- در جایگاه حاضر شد. او نیز ادعای مادر و خواهرش را تایید کرد و زمانی که قاضی از او پرسید گفته‌های تو در مرحله بازپرسی چیز دیگری است او ادعا کرد در مرحله بازپرسی دروغ گفته است. در پایان حامد به دفاع از خودش پرداخت و گفت: اتهامم را قبول ندارم. من فکر می‌کردم این زن شوهر ندارد. او گفته بود از شوهرش جدا شده است. وی گفت: یک روز به طور اتفاقی سمیرا با من تماس گرفت و گفت می‌خواهد خودکشی کند. از من خواست او را آرام کنم و از این طریق بود که من با سمیرا و خانواده‌اش آشنا شدم و بعد با مادرش در ارتباط بودم. من با مادر سمیرا رابطه نامشروع نداشتم و فقط به او کمک می‌کردم. سلطانیان وکیل‌مدافع حامد نیز اتهام موکلش را رد کرد و گفت: وکلای دیگر فرافکنی می‌کنند. موکل من در قتل نقشی نداشته است. متهمان دیگر در سلامت کامل عقلی و واقف بر گفته‌هایشان هستند. بنا بر این گزارش بعد از پایان جلسه محاکمه هیات قضات وارد شور شدند و برای رفع نقایص موجود وقت رسیدگی را تجدید کردند.

سرقت ۸۰ میلیون تومانی در پوشش پرستار کودک

گروه حوادث: زنی که به بهانه پرستاری از کودکان وارد خانه‌ای شده بود، دو ماه بعد از شروع به کارش با سرقت ۸۰ میلیون تومان از جواهرات صاحبخانه از آنجا گریخت. به گزارش خبرنگار ما، تلاش‌ها برای دستگیری این زن از عصر روز ۲۷ شهریور، به دنبال سرقت میلیون‌ها تومان جواهرات یک زن از خانه‌اش واقع در سعادت‌آباد آغاز شد. مالباخته که برای گزارش دزدی از خانه‌اش به کلانتری شهرک غرب رفته بود به ماموران گفت: زمانی که به خانه برگشتم همه وسایل به هم ریخته بود. وقتی با تعجب همه جا را کنترل کردم فهمیدم جواهراتم که ارزشی در حدود ۸۰ میلیون تومان دارد سرقت شده است. این زن ادامه داد: دقایقی پیش از آنکه بفهمم طلاهایم سرقت شده، مریم پرستار خانگی بچه‌هایم با دیدن من گفت باید برای انجام کاری به خانه‌اش برگردد. مریم بلافاصله از خانه بیرون رفت و دیگر هم خبری از او نشد. همین رفتارش باعث شد فقط به او مظنون باشم. با ثبت اظهارات این زن پرونده سرقت ۸۰ میلیونی به دستور توکلی دادیار شعبه چهارم دادسرای ناحیه ۲، در اختیار تیم مبارزه با سرقت منزل و اماکن پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت تا افسران پلیس در این باره تحقیق کنند. در این مرحله وقتی از مالباخته درباره مظنون به سرقت تحقیق شد، گفت: مریم دو ماه قبل کارش را در خانه‌ام آغاز کرد. چون دو کودک چهارماهه و دوساله دارم و خودم هم شاغل هستم مجبور شدم برای نگهداری آنها پرستار خانگی استخدام کنم. بنابراین در روزنامه آگهی دادم و بعد از آنکه چند نفر تماس گرفتند سرانجام مریم را برای نگهداری از بچه‌ها استخدام کردم. وی ادامه داد: ساعت ۱۴ روز حادثه وقتی به خانه رسیدم مریم از من مرخصی گرفت و به سرعت از خانه خارج شد. من هم که از مرخصی ناگهانی و عجله او برای بیرون رفتن تعجب کرده بودم، با دقت اسباب و اثاثیه خانه را کنترل کردم و متوجه شدم تمام طلا و جواهراتم سرقت شده است. از آنجا که شواهد نشان می‌داد پرستار خانگی در این سرقت دست دارد، کارآگاهان در اولین اقدام محل سکونت او را در منطقه یافت‌آباد شناسایی کردند. اما وقتی قصد داشتند او را دستگیر کنند، پی بردند وی چند روز قبل از آنجا نقل مکان کرده است. این در حالی بود که هیچ کدام از همسایه‌های مریم هم از محل جدید سکونت او اطلاعی نداشتند. در این بین فاش شد پرستار ۴۵ساله در سال ۷۳ از شوهرش جدا شده و از آن زمان تاکنون با اعضای خانواده‌اش نیز ارتباطش را قطع کرده است. در شرایطی که هیچ ردی از زن تحت تعقیب وجود نداشت کارآگاهان با اقدامات فنی- پلیسی خود به اطلاعاتی دست یافتند که نشان می‌داد مریم به تازگی در شهرک ولیعصر خانه‌ای اجاره کرده و در آنجا زندگی می‌کند. همین سرنخ کافی بود تا ماموران پایگاه دوم او را در مخفیگاهش غافلگیر کنند و به دام بیندازند. هنگامی که متهم تحت بازجویی قرار گرفت سرقت جواهرات صاحب کارش را به گردن گرفت و گفت مقداری از طلا و جواهرات مسروقه به ارزش ۱۵ میلیون را به سه نفر فروخته است. سرهنگ مهرداد یگانه رئیس پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران بزرگ، با اعلام این خبر گفت: متهم با پول‌های به دست‌آمده از فروش جواهرات مسروقه برای خانه‌اش وسایل لوکس از جمله تلویزیون ال‌سی‌دی، آخرین مدل یخچال موجود در بازار و وسایل دیگری را خریده است.

حادثه‌ها

مردان مسلح ۱۵ دانش‌آموز را در نیجریه ربودند

گروه حوادث: مردان مسلح در نیجریه ۱۵ دانش‌آموز را به قصد باجگیری ربودند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، چند مرد مسلح روز سه‌شنبه در منطقه آبیا یک اتوبوس مدرسه را با ۱۵ دانش‌آموز ربودند و آنها را به محلی نامشخص منتقل کردند. تاکنون ماموران پلیس موفق نشده‌اند محل اختفای مردان مسلح را شناسایی کنند. این در حالی است که گروگانگیران درخواست مبلغ ۱۳۰ هزار دلار باج کرده‌اند. «جفری اوگبونا» سخنگوی پلیس منطقه «آبیا» گفت: تمام این کودکان از خانواده‌های ثروتمند نیجریایی هستند و در مدرسه خصوصی درس می‌خوانند. به همین دلیل، گروگانگیران از این موضوع اطمینان دارند که خانواده‌های آنان، این مبلغ را برای آزادسازی فرزندان‌شان پرداخت می‌کنند. شاهدان عینی این ماجرا اعلام کردند گروگانگیران با استفاده از یک خودرو تویوتا کمری این اتوبوس را در حومه «آبیا» متوقف کردند و کودکان را گروگان گرفتند. «گودلاک جاناتان» رئیس‌جمهور نیجریه در بیانیه‌ای با ابراز همدردی با خانواده دانش‌آموزان گروگان گرفته‌شده، گفت: این رویداد همه شهروندان نیجریه را دچار شوک کرد. این موضوع که گروگانگیران از خانواده‌ها و دولت درخواست باج کردند یک امر قابل حل است، اما نباید کودکان بی‌گناه را دچار ترس و وحشت کنند. بنابر این گزارش این نخستین بار است که چنین جرمی در نیجریه به وقوع می‌پیوندد.

مرگ یک شرور در درگیری با پلیس

گروه حوادث: درگیری نیروی انتظامی سیستان و بلوچستان با اشرار مسلح در حوالی بخش بزمان مرگ یک شرور را در پی داشت. سردار غلامعلی نکویی فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان در این باره توضیح داد: طبق خبر واصله از پلیس مبارزه با مواد مخدر سیستان و بلوچستان مبنی بر عبور یک کاروان قاچاق مواد مخدر از حوالی بزمان، بلافاصله عوامل انتظامی شهرستان ایرانشهر با اکیپ‌هایی از یگان تکاوری برای مقابله با سوداگران مرگ عازم منطقه شدند. فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان افزود: با اقدام به موقع ماموران، قاچاقچیان حین انتقال محموله مواد مخدر غافلگیر و با نیروهای پلیس درگیر شدند. وی تصریح کرد: یکی از اشرار و قاچاقچیان معروف منطقه به نام «امان‌الله ع.» با آتش گسترده و توان رزمی بالای نیروهای انتظامی دستگیر شد و یک نفر دیگر به نام «ملک‌داد ق.» به هلاکت رسید. فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان خاطرنشان کرد: در این عملیات مقدار ۹۰ کیلوگرم مواد مخدر از نوع تریاک به همراه دو قبضه سلاح کلاشینکف به همراه مهمات مربوطه کشف و ضبط شد.

مرد مسلح در دانشگاه تگزاس حادثه آفرید

گروه حوادث: مردی مسلح در دانشگاه تگزاس امریکا پس از تیراندازی به سمت دانشجویان خودکشی کرد. به گزارش رویترز روز سه‌شنبه مردی در یکی از دانشگاه‌های ایالت تگزاس اقدام به تیراندازی کرد و پس از آن به سمت خود شلیک کرد و مرگ را برای خود رقم زد. در این حادثه فرد دیگری آسیب ندید. یکی از دانشجویان در این باره گفت: این اولین باری نیست که چنین آشوبی در دانشگاه برپا می‌شود. در سال ۱۹۶۶ نیز فردی مسلح به بالاترین طبقه ساختمان دانشگاه رفت و از آنجا مردم را به گلوله بست. در آن حادثه ۱۶ تن کشته شدند.

سودوکو شماره ۵۶

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

		7			3			
	3						8	
		9			6	7		4
9		2		5				
			3	8	7			
				9		4		6
7		6	5			8		
	9						1	
			4			6		

حل سودوکو شماره ۵۵

2	4	5	7	1	8	3	9	6
6	9	7	2	3	5	8	1	4
3	8	1	4	9	6	5	2	7
8	5	9	3	4	2	7	6	1
1	6	4	5	8	7	9	3	2
7	3	2	9	6	1	4	5	8
5	7	6	8	2	3	1	4	9
4	1	8	6	5	9	2	7	3
9	2	3	1	7	4	6	8	5

جدول شماره ۱۰۴۸

افقی

۱- مدرک فارغ‌التحصیل دانشگاه- نوعی کفپوش ساختمان ۲- ورزش ذهنی- برودت- نوعی جامه ۳- کاغذ کپی- تیر پیکان‌دار- شیعه ۴- حس بویایی- لغز، شوخی و مزاح، حرف مفت، دری‌وری- پسوند شباهت ۵- عصاره و شیره- ممکن است- نام سوره چهاردهم ۶- بی‌مو، کچل- دخل- نمایندگی مجلس شورا ۷- هستی- همسر زن- اسفنج مصنوعی ۸- از آلات موسیقی- مجموعه تلویزیونی ۹- غذای گیاه- نشانه- اندام ۱۰- تقویت‌کننده فرکانس‌های رادیویی- ممارست- جهت، طرف ۱۱- پاک و بی‌آلایش- خورشیدگرفتگی- صف و رده ۱۲- کریم و بخشنده- پول ترکیه- ادب یادگرفته ۱۳- نایروبی پایتخت این کشور آفریقایی است- جایگاه- کتابی نوشته پائولوکوئیلو ۱۴- گرفتن، از بین بردن- فلز مایع- میوه‌ای با خواص طبی پرشمار ۱۵- زیرشلواری- امپراتور روم که همنام پدرش بود و در زمان خسرو پرویز با ایران بر سر سوریه جنگ‌هایی کرد.

عمودی

۱- فرمانروای مستبد- رمزینه ۲- صدا- خراج- کشور مجسمه ادیسیوس ۳- نگاه- نوعی غذا- شهوت‌پرستی توام با بی‌رحمی ۴- پول ریختن به سر عروس و داماد- املا- اولین تبعیدگاه ناپلئون ۵- سمبل- ماه چهارم سال میلادی- حرف همراهی ۶- اساس- مهم‌ترین رودی که به دریاچه هامون می‌ریزد- گروه ورزشی ۷- گذرگاه غذا به معده- وسیله درمان- یغما ۸- مرد بخشنده- بالا آمدن آب دریا- از الفبای انگلیسی- وسیله لحیم‌کاری ۹- معلم دانشگاهی- نمایشی با حیوانات تربیت‌شده- زادگاه خلیل‌الله ۱۰- بازداشت- هنرمند و بازیگر- هر فصل از کتاب یسنا ۱۱- سفید آذری- فرشته مقرب- جانشینان ۱۲- یک‌چهارم- ناخوشایند داشتن امری- حکومتی که از چند بخش کشوری تشکیل شود و این قسمت‌ها از یک دولت مرکزی متابعت کنند ۱۳- اجناس- نوعی بازی و قمار- مشام ۱۴- دستاویز- نابینا- نوبت بازی ۱۵- رستاخیز- دریایی ایرانی که اعراب از خود می‌دانند.

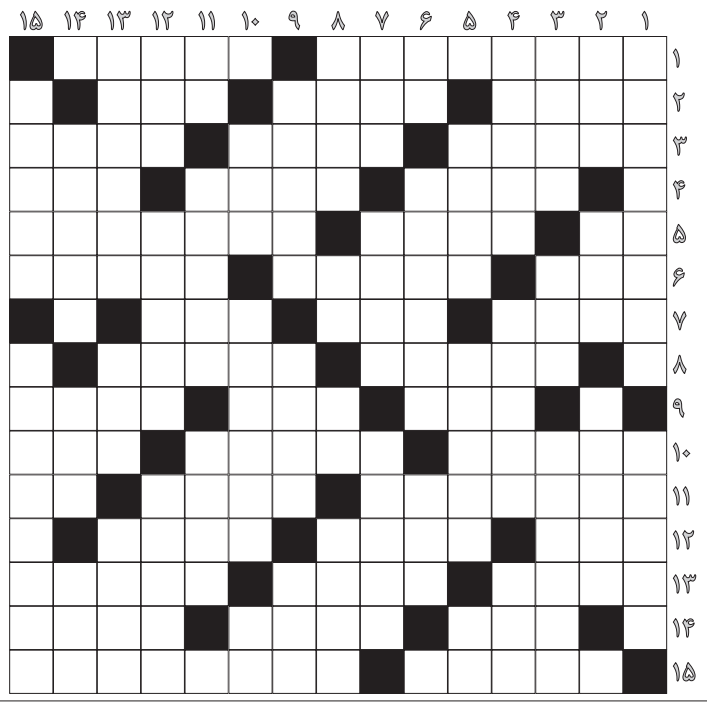

حل جدول شماره ۱۰۴۷

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	د	ر	ی	ا	ن	و	ر	د	■	ش	ا	م	پ	و	■
۲	ا	د	ا	ب	■	ت	و	ا	م	■	چ	ر	ا	■	ک
۳	د	ا	ن	ت	ه	■	ن	ر	و	ن	■	س	ب	و	ر
۴	گ	■	ی	د	ک	ی	■	ت	ر	س	ا	■	ا	ل	ا
۵	س	م	■	ا	ت	ا	ق	■	ا	ل	ی	ا	س	ی	ن
۶	ت	ر	م	■	و	ر	ا	ج	ی	■	ر	د	ی	م	ه
۷	ر	ی	ت	م	■	ا	م	ن	■	ا	س	ی	■	ه	■
۸	ی	■	س	د	ا	ن	ت	■	ر	س	ا	ن	ه	■	ا
۹	■	ی	■	ا	ی	ه	■	ق	ا	ف	■	ه	ن	د	ل
۱۰	ا	س	ت	ر	س	■	ه	م	س	ن	خ	■	ر	و	ی
۱۱	ت	ا	ب	س	ت	ا	ن	■	م	ا	ی	ا	■	ر	گ
۱۲	ک	و	ر	■	ا	ب	ج	ی	■	ج	ا	ن	ب	■	و
۱۳	ا	ل	ی	م	■	ک	ا	ه	و	■	م	ت	ن	ا	د
۱۴	ل	■	ز	و	ر	■